

دو فصلنامه تفسیر پژوهی

سال پنجم، شماره نهم

بهار و تابستان ۹۷

صفحات ۶۵-۳۵

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه تفسیر اهل بیت با محوریت سوره مبارکه نساء*

امیرحسین بانکی پورفرد**

نرگس خوشبخت***

چکیده

با توجه به تأکید آیات قرآن و روایات نبوی بر جایگاه ممتاز اهل بیت در تفسیر قرآن و نیز ضرورت رجوع به تفاسیر آن بزرگواران، اهمیت پژوهش و مذاقه در ابعاد مختلف روایات رسیده از ایشان در تفسیر قرآن روشن است. از میان صدها جلد کتاب تفسیر روایی، مجموعه تفسیر اهل بیت، به عنوان جدیدترین و پرروایت‌ترین تفسیر روایی شیعی مطرح است. نوشتار حاضر، با نگاه تحلیلی و روش‌شناسانه به این مجموعه و با مراجعه به مراجع کتابخانه‌ای، به مقایسه موردی روایات سوره مبارکه نساء در این تفسیر با بیش از صد تفسیر روایی دیگر می‌پردازد. از جمله امتیازات منحصر به فرد این مجموعه می‌توان استفاده از روایات جدید و متناسب با مدلول صریح و روشن، بهره‌گیری از تفسیر بحر العرفان، ابتکار در اسلوب و الگوی واحد در سراسر کتاب، ارائه ترجمه فارسی و روان برای کلیه روایات و ... را نام برد. با این وجود توجه به نکاتی همچون آیات بی‌روایت، تکرر در ذکر برخی از روایات، جامع نبودن و اکتفای حدّ اقلی به روایات ذیل هر آیه، مانع نبودن، عدم تلاش برای یافتن منابع دست اول، حذف اسناد و فارغ بودن از بررسی‌های سندی و ... و مرتفع نمودن آن‌ها می‌تواند در تکمیل و تنقیح این مجموعه اثرگذار باشد. در پایان نیز پیشنهاداتی در جهت تکمیل این مجموعه یا آثار مشابه ارائه می‌گردد. این امر می‌تواند گامی در راستای ارائه‌ی تفسیر جامع اهل بیت باشد که مشتمل بر روایاتی به مراتب بیشتر است.

کلید واژه‌ها: تفسیر، اهل بیت، سوره نساء، تفسیر اهل بیت.

*- تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۲۰

a.bankipoor@ahl.ui.ac.ir

**استادیار دانشگاه اصفهان، دانشکده اهل بیت، گروه معارف قرآن و اهل بیت

*** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تفسیر ائری، دانشگاه اصفهان، دانشکده اهل بیت.

(۱) مقدمه

آیات قرآن کریم ذو بطون است و هر کسی نمی‌تواند به محتوا و درونش دست یابد! از طرفی با این‌که این کتاب از تحریف لفظی در امان است اما معانی و تفسیر و تأویل آن، از تحریف و اغراض و جهالت‌ها به دور نمی‌ماند. بنابراین نیازمند مفسری است که مجملاتش را تبیین، متشابهاتش را تحکیم و مستوراتش را تفسیر نماید. آیات فراوانی اشاره به این دارد که سخن پیامبر^۹ منبعی همسان با آیات قرآن کریم دارد و از این جهت هم‌سنگ قرآن است.^۳ از سوی دیگر خداوند صریحاً مسئولیت تبیین و تفسیر قرآن را بر دوش ایشان قرار می‌دهد.^۴ پیامبر^۹ نیز در حدیث ثقلین که از طرق معتبر خاصه و عامه منقول و متواتر است، به جدایی ناپذیری قرآن و عترت اشاره نموده و تمسک به آن‌ها را دستور داده‌اند؛ این مسأله هم‌سویی و هم‌راستایی قرآن و عترت را ثابت می‌کند و این‌که هر یک از آن‌ها می‌تواند مفسر دیگری باشد. بنابراین رجوع به عترت طاهرین: در فهم قرآن ضرورت دارد و باید پایه‌پای ارائه‌ی معارف قرآن، به صورت مختلف به معارف اهل‌بیت: نیز پرداخته شود.

تفسیر قرآن با استفاده از روایات، از همان دوران رسول خدا^۹ آغاز گردید. روایات تفسیری، روایاتی است که بخشی از آیه در آن ذکر شده و یا ناظر به آیه و مبین مراد جدی خداوند است و یا زمینه‌ی فهم آیه را فراهم ساخته است، هر چند خود آیه در حدیث نباشد (مهریزی، ۱۳۸۹: ۶). در واقع هر حدیث مؤثر در فهم بیشتر قرآن، در مجموعه‌ی روایات تفسیری جای دارد. اهمیت روایات تفسیری، تأثیر آن

۱- ۷۹ واقعه: (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ)

۲- ۹ حجر: (إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذَّكَرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)

۳- ۴۰۳ نجم، ۷ حشر، ۱۱۳ نساء، ۲ جمعه و ...

۴- ۴۴ نحل: (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذَّكَرَ لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)

در معرفت‌بخشی آیات قرآن کریم و نیز حجم گسترده‌ی آن در منابع تفسیری و روایی، ضرورت بحث و بررسی و تحلیل و دسته‌بندی این روایات را اثبات می‌کند. از این رو بزرگانی چون علی بن ابراهیم قمی^۱، فرات کوفی^۲، عیاشی^۳ و در قرون بعدی ملامحسن فیض کاشانی^۴، سید هاشم بحرانی^۵، مرحوم عروسی حویزی^۶، آیت‌الله معرفت^۷ و دیگر علما به جستجو و جمع‌آوری روایات تفسیری همّت گماشته و مهم‌ترین تفاسیر روایی شیعی، از دوران حضور معصوم تا روزگار معاصر را تدوین و تألیف نموده‌اند. طبیعی است که گذر زمان، در گردآوری سازمان‌یافته و جامع‌تر نقش داشته است.

در زمان حاضر، امکانات وسیع نرم‌افزاری و کتابخانه‌ای زمینه‌ی تتبع جامع‌تر در منابع روایی برای کشف روایات تفسیری مغفول‌عنه را فراهم کرده است؛ این امکان در گذشته در اختیار مفسّرین نبود. تفسیر ارزشمند اهل‌بیت: که اخیراً توسط انتشارات امیرکبیر در یک مجموعه‌ی ۱۸ جلدی به چاپ رسید، با بهره‌گیری مناسب از این امکانات و نیز ایجاد ارتباطی نیکو بین آیات و روایات، گامی مؤثر در راستای ارائه‌ی معارف قرآن و اهل‌بیت: است. اشمال مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: بر ۲۷۷۱۸ روایت که این تعداد به تنهایی از مجموع کل روایات دو موسوعه‌ی بزرگ تفسیر روایی شیعه (با وجود مشترکات فراوان آن‌ها) بیشتر است، نشانگر اهمّیت والای آن است. این مجموعه حاوی چند هزار روایت تفسیری جدید است که قبلاً

۱- تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی (قرن ۳)

۲- تفسیر فرات الکوفی (قرن ۴)

۳- کتاب التفسیر (قرن ۴)

۴- تفسیر الصّافی (قرن ۱۱)

۵- البرهان فی تفسیر القرآن (قرن ۱۱)

۶- نور الثقلین (قرن ۱۲)

۷- التفسیر الاثری الجامع (قرن ۱۵)

در هیچ یک از کتب تفسیری ذیل آیات مرتبط نیامده است. بنابراین در مقاله‌ی حاضر، این مجموعه به عنوان جدیدترین و پر روایت‌ترین اثر منتشر شده در این موضوع، با دیدگاه روش‌شناسانه [از لحاظ ویژگی‌های درون‌متنی (صورت و محتوا)، برون‌متنی (بافت کاربردی) و نیز میان‌متنی (ارتباط با پیشینه و آثار مشابه)] مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد تا با شناسایی نوآوری‌ها و نقاط قوت این مجموعه و تقویت آن‌ها و نیز تشخیص نقاط ضعف احتمالی، به تکمیل و جهت‌دهی به روند دانش در این موضوع منجر گردد و راه را برای فرهیختگان و دانشگاهیان، تسهیل گرداند. لازم به ذکر است که از مجموع ۲۷۷۱۸ روایت گردآوری شده در تفسیر اهل‌بیت، تعداد ۱۰۵۴ روایت مربوط به سوره‌ی مبارکه‌ی نساء است که تعداد قابل توجهی است. لذا مطالعات به صورت موردی حول این سوره انجام شده است و تمامی نمونه‌های ارائه شده مربوط به همین بازه است.

۲) نگاه کلی به کتاب

مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت، تفسیر روایی ترتیبی به زبان عربی-فارسی است که زیر نظر علیرضا برازش تدوین گردیده است. طرح اولیه‌ی این مجموعه از سال ۱۳۸۳ و با تتبع در منابع مختلف تفسیری و روایی، برای استخراج و گردآوری روایات آغاز گردید؛ و پس از ترجمه و دسته‌بندی احادیث استخراج شده، در زمستان سال ۱۳۹۴ توسط انتشارات امیرکبیر در ۱۸ مجلد انتشار یافت.^۲ مؤلف در مقدمه، انگیزه و هدف خویش از تألیف اثر را این‌گونه شرح می‌دهد: «پراکندگی روایات تفسیری در کتب

۱- علیرضا برازش، مهندس صنایع از دانشگاه علم و صنعت و نیز کارشناس ارشد قرآن و حدیث از دانشگاه تهران است. وی بیش از ۵۰۰۰۰ صفحه کتاب تألیف نموده و برنده‌ی سه باره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران است. او همچنین مسئولیت کارشناسی و مشاور مذهبی برخی از سریال‌های معنوی و ماورایی را عهده‌دار بوده است.

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: با محوریت سوره‌ی مبارکه‌ی نساء ۳۹

مختلف اعم از تفسیری و روایی از یک سو و کامل نبودن کتب تفسیر روایی موجود از سوی دیگر، ما را بر آن داشت که مجموعه‌ای کامل از روایات مختلف تفسیری را به نام تفسیر اهل‌بیت: گردآوری و ترجمه کنیم تا راه برای اساتید، محققان، دانش‌پژوهان قرآنی و مؤسسات و مجامع حوزوی و دانشگاهی و عموم علاقمندان به مباحث تفسیری هموار گردد و بتوانند روایات فراوان تفسیری را در یک مجموعه‌ی واحد در اختیار داشته باشند» (برازش، ۱۳۹۴ش، ج ۱: ۹). با نگاهی به تعداد کل روایات موجود در این مجموعه و نیز فراوانی روایات تفسیر نشده و مقایسه آن با دو تفسیر روایی مهم و بزرگ شیعه، جایگاه و ارزش این کتاب مشخص می‌گردد:

آیات	فراوانی روایت در سوره نساء	تعداد کل روایات	نام تفسیر
۱۵۳۹	۶۸۴	۱۲۱۲۸	البرهان فی تفسیر القرآن
۲۴۱۷	۶۸۸	۱۳۴۲۲	نور التقلین
۶۵۰	۱۰۵۴	۲۷۷۱۸	تفسیر اهل‌بیت:

۱-۲) ساختارشناسی کتاب

کتاب تفسیر اهل‌بیت: در ۱۸ جلد تدوین یافته و مشتمل بر ۱۲۳۸۱ صفحه است. این تفسیر، به روش ترتیبی و به صورت منظم و مبوب به تفسیر آیات قرآن کریم با روایات می‌پردازد:

ج. ۱۰: المؤمنون - الشعراء

ج. ۱: الحمد - البقرة ۱۸۸

ج. ۲: البقرة ۱۸۹ - آل عمران	ج. ۱۱: النمل - السجده
ج. ۳: النساء - المائدة ۲۹	ج. ۱۲: الأحزاب - الصافات
ج. ۴: المائدة ۳۰ - الأنعام	ج. ۱۳: ص - الشوری
ج. ۵: الأنعام - الأعراف	ج. ۱۴: الزخرف - الحجرات
ج. ۶: التوبة - هود	ج. ۱۵: ق - الحديد
ج. ۷: یوسف - النحل	ج. ۱۶: المجادلة - الحاقه
ج. ۸: الإسراء - الکهف	ج. ۱۷: المعارج - الإنشاق
ج. ۹: مريم - الحج	ج. ۱۸: البروج - الناس

در مورد ساختار تفسیر هر سوره و آیه در مقدمه آمده است: «ترتیب ذکر روایات ذیل هر آیه در سراسر کتاب از الگوی یکسانی پیروی می‌کند؛ بدین ترتیب که اگر در روایتی برای سوره یا آیه‌ای فضیلتی ذکر شده باشد، در ابتدای مبحث آمده است. در ادامه روایات حاوی ثواب قرائت و کلیاتی از سوره آورده شده و سپس روایات مبین بخش‌های مختلف آیه، به ترتیب ذیل بخش‌های مربوط به آن ذکر گردیده است» (برازش، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۱). حجم روایات این تفسیر ۲۷۷۱۸ حدیث تفسیری از منابع معتبر شیعی است که این تعداد، از مجموع روایات دو موسوعه‌ی بزرگ تفسیر روایی شیعه بیشتر است. تمامی این روایات به زبان فارسی نیز ترجمه شده است.

۲-۲) منبع‌شناسی

بزرگان و علمای شیعه در رابطه با کتب و آراء مذاهب دیگر به دو گونه عمل نموده‌اند: گروهی دیدگاه جدایی و انحصار در عقاید مکتب خود را برگزیده‌اند که این نشانگر حمیت و تعصب دینی آن‌ها و ستودنی‌ست (البته به استثنای کسانی که با

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: با محوریت سوره‌ی مبارکه‌ی نساء ۴۱

جمود فکری و تعصّب غیر عقلانی در این امر افراط ورزیده‌اند). روایات مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: نیز از بیش از صد منبع استخراج شده است که بنابر تصریح مؤلف در مقدمه، تنها از منابع معتبر شیعه است (برازش، ۱۳۹۴، ج ۱: ۹).

در عین حال برخی دیگر از دانشمندان اسلامی همچون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی در عین پایبندی بر عقاید خویش، با دیدگاه تقریبی و اعتدالی به بهره‌برداری علمی از مذاهب دیگر نیز پرداخته‌اند. این امر علاوه بر اینکه زمینه‌ساز وحدت بیشتر بین مذاهب اسلامی است، آثار دیگری نیز در پی دارد از جمله: افزایش دایره‌ی مخاطبان اثر از گروه شیعیان به تمام امت اسلامی، محکم‌تر شدن عقاید حق و اثبات حقایق ائمه: با استناد به اقوال موجود در کتب شیعه و سنی، کاهش فشارهای فرقه‌ای و مذهبی بر شیعیان، پی بردن به نقاط قوت و ضعف هر دسته و تقویت یا رفع آن‌ها و در زمینه‌ی تفسیر قرآن نیز بعضی از مفسران همچون علامه طبرسی در مجمع البیان، ابوالفتوح رازی در روض الجنان و در بین معاصران آیت‌الله معرفت در کتاب التفسیر الاثری الجامع در روش تفسیری خود دیدگاه دوم را به کار گرفته‌اند.

هر چند مؤلف مجموعه‌ی تفسیری اهل‌بیت: تنها از منابع معتبر شیعی بهره جسته است اما به نظر می‌رسد داشتن دیدگاه تقریبی حتی در گرایش حدیثی محض در تفسیر قرآن (جمع بین روایات تفسیری منابع شیعی و اهل سنت، البته فقط با تکیه بر روایات معصومین:) نیز جامعیت و کمال کار را به ارمغان می‌آورد. علاوه بر این زمینه‌ساز وحدت مسلمانان و استفاده‌ی عام و گسترده‌تر از معارف معصومین: است.

مهم‌ترین منابع این مجموعه عبارتند از:

۱- که توسط شیخ محمد شلتوت به عنوان بهترین تفسیر به دار التقرب پیشنهاد شد و با پاورقی‌های دانشگاه الازهر چاپ و به عنوان تفسیر قرآن همه‌ی مذاهب معرفی گردید (ر.ک. به مقاله «رویکرد تفسیر به موضوع وحدت اسلامی» نوشته: نانسی ساکی)

منابع تفسیر روایی: تفسیر القمی، تفسیر الامام العسکری، فرات کوفی، کتاب التفسیر، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تأویل الآیات الظاهرة، البرهان فی تفسیر القرآن، نور الثقلین، بحر العرفان.

جوامع روایی شیعه: الکافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب، الاستبصار، وسایل الشیعه، بحار الانوار، مستدرک الوسایل.

منابع حدیثی با موضوع کلام: الغیبة للنعمانی، التوحید للصدوق، کمال الدین، کفایة الاثر، الفصول المختارة، الغیبة للطوسی، دلائل الامامة، الخرائج و الجرائح، الاحتجاج، بناء المقالة الفاطمیة، كشف الغمّة، مختصر البصائر، منتخب الانوار المضيئة، الصراط المستقیم، الصّوارم المهرقة، نهج الحق.

منابع با موضوع اخلاق: مصباح الشریعة، الزهد، ثواب الاعمال، الخصال، تحف العقول، النوادر للراوندي، مكارم الاخلاق، مشكاة الانوار، مجموعه ورام، اعلام الدین، ارشاد القلوب.

کتاب حدیثی فقهی: فقه الرضا، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، النوادر للاشعری، قرب الاسناد حمیری، الجعفریات، دعائم الاسلام، فقه القرآن للراوندي، عوالی اللالی، خلاصة الايجاز فی المتعة.

کتاب مناقب: بصائر الدرجات، مأه منقبة، المناقب لابن شهر آشوب، بشارة المصطفی، الفضایل لابن شاذان، التحصین لابن طاووس، الیقین، كشف الیقین.

کتاب تاریخی: سلیم بن قیس، وقعة صفین، الغارات، خصائص الائمة، الارشاد للمفید، إعلام الوری، قصص الانبیاء للراوندي، ایمان ابی طالب، النور المبین فی قصص الانبیاء.

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: با محوریت سوره‌ی مبارکه‌ی نساء ۴۳

کتاب ادعیه و زیارت: کامل‌الزیارات، کتاب‌المزار، مصباح‌المتهجّد، الدّعوات للراوندى، مهج‌الدّعوات، اقبال‌الاعمال، الأمان، العدد القويّة، عدّة‌الدّاعى، البلد الامين، المصباح للكفعمى.

سایر موضوعات: المحاسن، اختیار معرفة الرجال (رجال‌کشی)، عیون‌اخبار الرضا^۷، الامالی للصدوق، فضائل الشیعة، علل الشرايع، معانى‌الاخبار، نهج‌البلاغه، الامالی للطوسی، الامالی للمفید، الاختصاص، کنز‌الفوائد، روضة‌الواعظین، جامع‌الاخبار، غرر‌الحکم، متشابه‌القران لابن‌شهر آشوب، مستطرفات‌السّرائر، شرح‌نهج‌البلاغه، سعد‌السّعود، الطراز‌الاول.

۲-۳) روش‌شناسی کتاب

پیشینیان در جمع‌آوری و تنظیم روایات تفسیری، تلاش و کنکاش‌توسعه‌ی برانگیزی از خود نشان داده‌اند؛ به طوری که تا زمان حاضر صدها جلد کتاب تفسیر تدوین شده است که البته هر کدام سبک و روش خاص خود را داراست. از جمله مسائلی که باعث تمایز تفاسیر از یکدیگر می‌شود، روش و گرایش تفسیری است.

روش تفسیری یا منهج^۱، مربوط به پذیرش نوع و نحوه‌ی استناد به منابع است (شاکر، ۱۳۸۱: ۱۵۰). مهم‌ترین روش‌های تفسیری عبارتند از: روش قرآن به قرآن، تفسیر مأثور، تفسیر علمی، تفسیر عقلی و تفسیر عرفانی [اشاری، ظاهری، باطنی]. روش تفسیری کتاب تفسیر اهل‌بیت:، تفسیر مأثور است که عبارت است از تفسیر با اقوال معصومین: و علمای سلف یعنی صحابه و تابعین.

اما مراد از گرایش تفسیری، تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و علمی در تفسیر قرآن است که بر اساس عقاید، نیازها و ذوق و تخصص

^۱ method

علمی مفسر شکل می‌گیرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۲۸). با این تعریف باید گفت: گرایش مؤلف تفسیر اهل بیت:، گرایش حدیثی محض است؛ بدین معنا که فقط روایات مربوط به آیه را گردآوری می‌کند. فعالیت مفسر در گرایش حدیثی محض، نوعی گردآوری و گزینش روایات است که به بررسی سند یا دلالت روایات نمی‌پردازد، به صحت و سقم روایات نظری ندارد و گاه صرفاً به دلیل وجود کلمه‌ای قرآنی در روایت، آن را در ذیل آیه مربوط به آن نقل می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۵۲). نویسنده این موضوع را در مقدمه صریحاً بیان می‌نماید: «بنای این اثر بر گردآوری و ترجمه‌ی مجموعه‌ای کامل از روایات مختلف تفسیری بوده و این کار فارغ از هر گونه کنکاش و پژوهش در سند و محتوای روایات انجام گرفته است؛ بدیهی است که تکیه بر مفاد هر روایت باید پس از کنکاش در سند و محتوای آن روایت باشد» (برازش، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۰). بنابراین می‌توان گفت هدف از تألیف مجموعه‌ی تفسیر اهل بیت: صرفاً جمع روایات تفسیری و طبقه بندی آن‌ها بوده است تا کار برای تفسیر قرآن روان‌تر شود (نه ارائه‌ی تفسیر مستقیم آیات).

۳) امتیازات، نقاط قوت و نوآوری‌ها

تفسیر اهل بیت: را می‌توان غنی‌ترین تفسیر روایی شیعه از نظر فراوانی روایت دانست. این تفسیر امتیازات و ویژگی‌های منحصر به فرد دیگری نیز دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌گردد:

۳-۱) روایات جدید متناسب و مرتبط

درصد بالایی از روایات تفسیری این مجموعه، جدید و منحصر به فرد است؛ یعنی برای اولین بار در زمره‌ی روایات تفسیری ذیل آیه‌ی مورد بحث آمده و قبلاً در هیچ

تفسیر دیگری نبوده است. برای نمونه می‌توان به روایت ۵-۵ که بیان حکم شرعی موجود در آیه‌ی ۲۴ نساء است، اشاره نمود: عبدالسلام نقل می‌کند که از امام صادق^۷ در مورد آیه (وَ لَا جُنَاحَ عَلَیْکُمْ فِیْمَا تَرَاضِیْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِیضَةِ) پرسیدم که اگر مردی بخواهد زمان متعه را افزایش دهد و قبل از اتمام وقت متعه این کار را بکند، حکمش چیست؟ امام^۷ فرمود: «لَا بَأْسَ بِأَنْ یَکُونَ ذَٰلِکَ بِرِضَا مِنْهُ وَ مِنْهَا بِالْأَجْلِ وَ الْوَقْتِ؛ مانعی نیست اگر افزایش زمان متعه با رضایت طرفین باشد» و همچنین فرمود: «یَزِیْدُهَا بَعْدَ مَا یَمْضِی الْأَجْلُ؛ می‌تواند پس از اتمام فرصت نیز زمان را اضافه کند» (برازش، ۱۳۹۴، ج ۳: ۱۲۸؛ به نقل از حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۵۶). و نیز سخن امیرالمؤمنین^۷ در روایت ۱۲ ذیل آیه‌ی ۸۰ که فرمود: «لَنْ یُؤْمِنَ بِاللَّهِ إِلَّا مَنْ آمَنَ بِرَسُولِهِ وَ حُجَّجَهُ فِی أَرْضِهِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ) وَ مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَیَجْعَلَ لِجَوَارِحِ الْإِنْسَانِ إِمَامًا فِی جَسَدِهِ یَنْفِی عَنْهَا الشُّکُوكَ وَ یُبْثِّثُ لَهَا الْیَقِیْنَ وَ هُوَ الْقَلْبُ وَ یُهْمِلُ ذَٰلِکَ فِی الْحُجَّجِ؛ کسی به خدا ایمان نمی‌آورد مگر اینکه به رسول خدا^{۹۱} و حجّت‌های او در زمین ایمان بیاورد. خداوند می‌فرماید (مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ). این‌طور نیست که خداوندی که در میان اعضا و جوارح آدمیان رهبر و امامی قرار داده که شک و شبهه را از آنها دور کند و برای آنها یقین را ثابت نمیدد و آن امام، قلب آدمی است، در [فرستادن] حجّت‌ها برای جامعه‌ی انسان‌ها کوتاهی کند» (برازش، ۱۳۹۴، ج ۳: ۳۲۴؛ به نقل از مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶: ۷۸). امام^۷ در این روایت با قیاس اولویت ضرورت وجود حجّت و فرستاده‌ی الهی را اثبات کرده و به شرح آیه می‌پردازد. این روایات با وجود ارتباط و هماهنگی با آیات مورد بحث، در تفاسیر نیامده است.

اهمیت این موضوع وقتی افزون می‌گردد که برای آیه‌ی مذکور هیچ روایتی در تفاسیر یافت نشود. برای مثال ذیل آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، در تفاسیر روایی و غیر روایی شیعی، تنها دو روایت^۱ وجود دارد؛ همین دو روایت نیز ارتباط

۱- یکی در تفسیر الجواهر تألیف علی عاشور و نشر بیروت و دیگری در تفسیر روشن مصطفوی آمده است.

نزدیکی با آیه ندارد. با این وجود مؤلف دو روایت جدید به نقل از بحار الانوار آورده که بسیار متناسب و مرتبط است (برازش، ۱۳۹۴ش، ج ۳: ۸۰ تا ۸۲).

پس از مقایسه‌ی دقیق روایات این مجموعه با بیش از صد تفسیر روایی شیعه و سنی در محدوده‌ی سوره نساء، تعداد روایات جدید این تفسیر برابر با ۳۰۸ مورد برآورد گردید که این مقدار برابر است با ۳۰٪ از کل روایات ذیل این سوره. با احتساب کل روایات این مجموعه (با تعداد ۲۷۷۱۸) می‌توان تخمین زد که بیش از ۶۰۰۰ روایت تفسیری که در تفاسیر دیگر نیامده، با بهره‌گیری از امکانات نرم‌افزاری به این تفسیر اضافه شده است. اکثر روایات جدید این مجموعه از جوامع روایی متأخر گزینش شده است؛ این امر نشان می‌دهد که فراوانی روایات تفسیری مورد غفلت در کتب متأخر بیشتر است و از این رو برای استخراج روایات جدید مراجعه به آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲-۳) گستردگی منابع

از دیگر نقاط قوت این تفسیر، استفاده از منابع متعدّد و متنوع شیعی از تفاسیر نقلی و جوامع روایی و نیز کتب حدیثی با موضوعات کلام، فقه، تاریخ، مناقب، ادعیه و زیارات، اخلاق و ... است. از میان تفاسیر روایی، تفسیر البرهان و کتاب التفسیر عیاشی و در مواردی بحر العرفان، نور الثقلین و تفسیر القمی بیشتر مورد توجه نویسنده بوده است. غالب روایات جدید نیز از جوامع روایی متأخر همچون بحار الانوار و سپس وسایل الشیعه و مستدرک الوسایل اخذ شده است و کتاب‌هایی چون کافی و بحر العرفان در رتبه‌ی بعد قرار دارد. همچنین مؤلف در ارجاع روایات به

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: با محوریت سوره‌ی مبارکه‌ی نساء ۴۷

منابع، به ذکر نام یک منبع بسنده نکرده و غالباً حدیث را به چند منبع معتبر مستند ساخته است.

۳-۳) بهره‌گیری از تفسیر بحر العرفان

تفسیر بحر العرفان تألیف ملا صالح بن آغامحمد برغانی قزوینی حائری (م ۱۲۷۰) است. آیت‌الله معرفت ایشان را از عالمان و محدثان برجسته قرن سیزدهم دانسته و شهرت آثار حدیثی و تفسیری او را یادآور می‌شود. وی سه کتاب تفسیر دارد. تفسیر کبیر و گسترده‌ی او، بحر العرفان و معدن الایمان است که در ۱۷ مجلد و به سبک تفاسیر روایی متأخر نوشته شده است. امروزه تنها نسخه‌ی خطی این کتاب در کتابخانه‌ی خانواده‌ی وی در شهرستان قزوین محفوظ است (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۲۸۱ و ۲۸۲). تفسیر اهل‌بیت: بخشی از روایات این تفسیر کمیاب و دور از دسترس را در خود جای داده است که برخی از آن‌ها در هیچ تفسیر دیگری نیامده است. از بین ۱۰۵۷ روایت تفسیری مربوط به سوره‌ی نساء، ۷۸ روایت به تفسیر بحر العرفان ارجاع داده شده است که بیش از نیمی از این روایات [۴۲ مورد] سخن معصوم ۷ می‌باشد و بقیه سخنان تفسیری ابن عباس است. بخشی از این روایات، در تفاسیر دیگر موجود است اما ۲۱ مورد تنها منحصر به بحر العرفان می‌باشد که بعضی از آن‌ها تفسیر مستقیم و صریح آیه است. برای مثال می‌توان به روایت ۲-۲ ذیل آیه‌ی ۱ نساء اشاره کرد که امام باقر ۷ فرمود: «مَعْنَى (تَسَاءَلُونَ بِه) تَطْلُبُونَ حُقُوقَكُمْ وَ حَوَائِجَكُمْ فِيمَا بَيْنَكُمْ بِهِ وَ (الْأَرْحَامِ) أَنْ تَقْطَعُوَهَا؛ منظور از کلمه‌ی (تَسَاءَلُونَ) آن است که حقوق و درخواست‌های خود را در بین خود، به کمک قسم خوردن به نام خدا، مطالبه و دریافت می‌کنید و منظور از (وَ الْأَرْحَامِ)، توجه دادن به عدم قطع کردن روابط خانوادگی و ایجاد صله‌ی ارحام است» (برازش، ۱۳۹۴، ج ۳: ۱۸). این روایت که شرح و بیان مستقیم آیه‌ی مورد بحث است، تنها در تفسیر بحر العرفان آمده است.

۴-۳) ابتکار در اسلوب، الگوی واحد و نظام‌مند بودن روش طرح مطالب

اسلوب نگارش تفسیر اهل‌بیت: اسلوبی ابتکاری است و چینش و نظم روایات بر مبنای تبویب با فراز آیات است. بدین صورت که مؤلف نخست آیه را ذکر نموده و آن‌گاه آن را به چند فراز تفکیک کرده و روایات مربوط به هر بخش را در جای خود می‌آورد. این تفکیک، آمیزه‌ای از تفسیر ترتیبی و موضوعی به وجود می‌آورد و دسترسی به روایات و جستجو در میان آن‌ها را تسهیل می‌بخشد. البته در مواردی هم مفسر چند آیه را به دلیل پیوستگی معنایی در کنار هم یاد می‌کند. تبویب و دسته‌بندی روایات تنها برای ۳۸ آیه از سوره‌ی مبارکه‌ی نساء انجام شده است.

۵-۳) ارائه‌ی ترجمه‌ی روان برای همه‌ی روایات

اکثر تفاسیر به زبان عربی تألیف شده‌اند و این امر بهره‌وری عموم طبقات جامعه از آن را با مشکل مواجه می‌سازد؛ چراکه تنها درصد پایینی از افراد جامعه با زبان عربی آشنایی دارند؛ ضمن این‌که همه‌ی افراد آشنا به زبان عربی نیز قادر به استخراج دلالت و پیام‌های آیه نیستند. بنابراین، این میراث گران‌بها عملاً از دسترس اکثریت افراد جامعه خارج است. یکی از محسنات مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: تلاش برای ارائه‌ی ترجمه‌ای دقیق و روان از روایات است. بدین منظور تیم اجرایی این کتاب، پس از استخراج و دسته‌بندی روایات، ترجمه‌ی روایاتی را که در گذشته ترجمه شده است از میان منابع مختلف چاپی و الکترونیکی استخراج نمودند. طبیعتاً برخی از آن‌ها به دلیل نثر کهن و یا ترجمه‌ی تحت‌اللفظی و غیر روان، نیازمند به ویرایش مجدد بود و بخشی فاقد ترجمه بود. بنابراین عدّه‌ای از فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی این امر را برعهده گرفته و به انجام رسانیدند

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: با محوریت سوره‌ی مبارکه‌ی نساء ۴۹

(برازش، ۱۳۹۴، ج ۱: ۹). علاوه بر این گاهی معنای کلمات غریب نیز به صورت جداگانه در پراکنش ذکر شده است.

۳-۶) مدلول صریح و روشن روایات

احادیث گردآوری شده در این مجموعه، غالباً تفسیر مستقیم آیه و مبین آن است؛ به طوری که مستقیماً و به طور صریح، به یکی از فرازهای آیه یا موضوعی خاص از موضوعات آن اشاره دارد و رابطه‌ی دور و نامفهومی را با آیه ترسیم نمی‌کند.

۳-۷) جلوگیری از وقوع تسامح در تقطیع با مشخص کردن تقطیع‌ها

هرچند نقل کامل حدیث نسبت به تقطیع آن، در موارد بسیاری بهتر به نظر می‌رسد؛ ولی از آنجا که در روایات طولانی از موضوعات گوناگونی سخن به میان آمده، تدوین دقیق موضوعی روایات، می‌طلبد تقطیع با رعایت شرایط آن، به گونه‌ای که نقل مستقل جمله‌های آن آسیبی به معنا نرساند، امر راجحی باشد. بنابراین تقطیع حدیث گاه لازم است و به جا و گاهی هم نادرست است و از آسیب‌ها و موانع فهم صحیح حدیث شمرده می‌شود (دلبری و مهدوی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۳۶). برای در امان ماندن از آسیب‌های احتمالی تقطیع همچون نارسایی در فهم حدیث یا ابهام در معنای آن و حتی در مواردی ظهور تعارض در اخبار، در مورد هر حدیث پژوهنده باید با فحوص و بررسی کامل و نیز جستجوی منابع اصیل حدیثی و تشکیل خانواده‌ی حدیث، از وقوع یا عدم وقوع تقطیع در آن، اطمینان حاصل نموده و به نقل کامل حدیث دست یابد.

در تفسیر اهل‌بیت: گاهی به منظور جلوگیری از اطاله‌ی کلام و خستگی مخاطب و نیز پرهیز از ذکر مطالب غیر مرتبط با آیات، تقطیع روایات و حذف بخش‌های غیر ناظر انجام شده است اما برای تسهیل در فرآیند بررسی توسط

پژوهندگان و نیز ممانعت از وقوع تسامح در تقطیع، غالباً جمله یا جملات حذف شده با نشان «...» مشخص گردیده و در مواردی که تقطیع، باعث نقصان در فهم کلام و تفسیر آیات می‌شده، روایت به صورت کامل آمده است.

۳-۸ حذف روایات خاص و مشکل‌دار

بنا بر تصریح نویسنده، در این مجموعه از آوردن روایاتی که در زمان حاضر، نتیجه‌ی مهمی جز شکاف میان مذاهب مختلف اسلامی ندارد، پرهیز شده است (برازش، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۱)؛ این امر سنجیده و زمینه‌ساز وحدت بیشتر مسلمانان است مشروط بر آن‌که مطالبی که محتوای عقیدتی یا تاریخی دارند، حذف گردد.

۳-۹ مشخص کردن نام معصوم در ابتدای متن حدیث

در عرف عرب، هنگام نام بردن از بزرگان و مخاطبه با آنان معمولاً از کنیه و لقب استفاده می‌شود. محدثان شیعه نیز در نقل احادیث از همین شیوه پیروی نموده‌اند. اما بیشتر کنیه‌های ائمه: مشترک است و باید با قرائن حالی و مقالی از هم تمیز داده شوند (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۸ش: ۱۹۲). از سوی دیگر تشخیص معصوم از روی کنیه یا لقب، برای عموم مردم کار دشواری است. مؤلف تفسیر اهل‌بیت: در هر حدیث، ابتدا نام معصوم را ذکر نموده و سپس متن روایت را می‌آورد.

۳-۱۰ برجسته‌سازی متن آیات موجود در روایت

فراز آیات موجود در روایات، در ترجمه با متن عربی و یا برجسته‌تر از متن اصلی^۱ مشخص شده‌اند.

۴) نقاط ضعف و کاستی‌ها

مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: محاسن و نقاط قوت فراوانی دارد و در نوع خود بی‌نظیر است. اما با این وجود، برخی کاستی‌ها نیز در آن به چشم می‌خورد که مرتفع نمودن آن‌ها بر قدر و ارزش این تفسیر می‌افزاید. این موارد عبارتند از:

۱-۴) نیاوردن روایت برای برخی آیات

شماری از آیات، در تفسیر اهل‌بیت: بدون روایت مانده‌اند؛ این در حالی است که برای برخی از آن‌ها روایاتی بسیار متناسب و مرتبط در منابع تفسیری و روایی موجود است. در زیر به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

در این تفسیر برای آیه‌ی ۷ از سوره‌ی نساء (لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ) هیچ روایت تفسیری ذکر نشده است. اما در کتاب گرانقدر کافی، روایتی در تفسیر (الأقربون) وارد شده است که بدین شرح است: «أبي أيوب الحزاز عن أبي عبد الله ^۷ قال: «إن في كتاب علي ^۷ أن كل ذي رحم بمنزلة الرحم الذي يجزئ به إلا أن يكون وارثاً أقرب إلى الميت منه فيحجبه؛ در طومار علی ^۷ چنین آمده است: هر خویشاوندی که در طبقه‌ی بعدی قرار بگیرد به منزله‌ی آن خویشاوندی است که میراث میّت را از راه خویشاوندی به سوی خود می‌کشد، جز آن‌که اگر طبقه‌ی پیشین زنده باشند طبقه‌ی بعدی را حذف می‌کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۷۷). این روایت تا کنون در هیچ تفسیری نیامده است. بر اساس روایتی دیگر از امام صادق ^۷ سؤال شد: مال برای نزدیکان است یا قوم و خویش؟ پاسخ داد: «المال للأقرب والعصبة في فيه الثراب؛ مال برای نزدیکان است و قوم و خویش، دهانش

۱- در محدوده‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، از مجموع ۱۷۶ آیه، برای ۲۱ آیه هیچ روایتی نیامده است. این آیات عبارتند از آیات ۷، ۲۷، ۲۸، ۵۰، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۹۹، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴ و ۱۶۱ و ۱۶۹.

در خاک است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹: ۲۶۷). این روایت که ابن شهر آشوب آن را ذیل این آیه آورده (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ج ۲: ۲۱۷) با بیانی صریح‌تر از آیه و با یک دلالت التزامی، حکم تعصیب را ابطال می‌کند.

همچنین در تفسیر (صراط) در آیه‌ی ۶۸ این سوره (وَ لَهْدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا) می‌توان از روایت زیر مدد جست که بسیار متناسب با سیاق آیات است: مفضل بن عمر گوید از امام صادق ۷ در مورد (صراط) سؤال نمودم. آن حضرت فرمود: «هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هُنَا صِرَاطَانِ. صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَ صِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ وَ أَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةَ. مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَ افْتَدَى بِهِدَاةِ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جَسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛ صراط راه به سوی معرفت خداست؛ و صراط دوتاست: یکی صراط در دنیا و یکی در آخرت. پس آن صراطی که در دنیاست همان امام واجب‌الإطاعة است؛ هرکس او را در دنیا بشناسد و از هدایت او و راهنمایی‌های او پیروی کند، به خوبی از صراطی که پلی است بر روی جهنم در آخرت عبور می‌کند و کسی که او را در دنیا نشناسد، پایش در هنگام عبور از صراط در قیامت می‌لغزد و بر اثر آن در آتش دوزخ واژگون می‌گردد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۳۲). این روایت که بیانگر مصداق اتم (صراط) است، تاکنون در هیچ تفسیری به عنوان روایت تفسیری وارد نشده است.

تلازم همیشگی ایمان و عمل صالح نیز از موضوعات پر تکرار قرآن است و روایات فراوانی در شرح این دو و معرفی مصادیق آن وارد شده است. از جمله روایتی از امیرالمؤمنین ۷ که فرمود: «الْإِيمَانُ وَ الْعَمَلُ أَخَوَانِ تَوَآمَانِ وَ رَفِيقَانِ لَا يَفْتَرِقَانِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ أَحَدَهُمَا إِلَّا بِصَاحِبِهِ؛ ایمان و عمل دو برادر همراه و دو یار جدا ناشدنی‌اند. که خداوند هیچ یک از آن دو را جز با همنشینش قبول نمی‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۱۹، ح ۲۱۱۶). این روایت که معنای ملزوم همنشینی ایمان و عمل صالح در آیه‌ی ۱۲۲ سوره‌ی نساء و آیات مشابه را بیان می‌کند (وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ...)، در منابع تفسیری نیامده است.

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: با محوریت سوره‌ی مبارکه‌ی نساء ۵۳

روایت زیر نیز می‌تواند مفسّر فراز (خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا) در آیه‌ی ۱۶۹ نساء و بیان علت آن باشد: امام صادق^۷ در پاسخ به سؤال از خلود در بهشت و جهنّم، فرمود: «إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يُعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَإِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَالْبَيِّنَاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى (قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ) أَي عَلَى نِيَّتِهِ؛ اهل جهنّم از این رو در آتش جاودانند که در دنیا نیت داشتند اگر جاودان ماندند، همیشه نافرمانی خدا کنند. اهل بهشت نیز از آن روی در آن خالد و جاودانند که قصد داشتند در صورتی که در دنیا باقی بودند تا ابد اطاعت از خدا کنند. پس به‌خاطر همین نیت‌ها، این‌ها و آن‌ها جاودان می‌شوند. سپس این آیه را تلاوت فرمود که (قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ) یعنی برای نیتش!» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ۳۳۱). هرچند روایت مذکور، حاوی بخشی از آیه‌ی مورد اشاره نیست اما از نظر موضوع و مفهوم با آن مرتبط است و با استشهاد به آیه‌ای دیگر، به تبیین آیه می‌پردازد؛ با این وجود در هیچ یک از تفاسیر ذیل این آیه نیامده است.

۲-۴) تکرّر در ذکر برخی از روایات

ذکر روایات تکراری ذیل یک آیه، نه تنها مفید فایده نیست بلکه باعث افزایش بی‌رویه‌ی حجم کتاب و به دنبال آن خستگی مخاطب نیز، خواهد گردید. در تفسیر اهل‌بیت: گاهی تکرّر در روایات ذیل یک آیه به وقوع پیوسته است که این امری ناخوشایند است. برای مثال روایت ۲-۱ ذیل آیه‌ی ۵ نساء، تقطیع روایت ۱-۲ است و اختلافات جزئی موجود در ضمائر آن، با توجه به وحدت معصوم و نیز ارجاع به منبع واحد، اشتباه نسخه‌ای و ناشی از کم‌دقتی است. همچنین روایت ۲-۶ ذیل آیه‌ی ۶ نساء، تقطیع روایت ۲-۵ است که در کتب روایی و تفسیری آمده است. علاوه بر این با توجه به وحدت متن و راوی و مصدر اولیه، می‌توان گفت روایت ۶ ذیل آیه‌ی

۱۵ نساء، تقطیع روایت ۷ است. روایت ۲-۴ و ۲-۵ ذیل آیهی ۷۸ نساء نیز یک روایت است که امام صادق ۷ آن را به نقل از پیامبر ۹ بیان نموده‌اند؛ همین روایت در تفسیر اهل بیت: یک بار به نقل از امام صادق ۷ و بار دیگر از قول رسول خدا ۹ آمده است. روایت ۲-۱۳ ذیل آیهی ۸۳ نساء نیز تقطیع روایت ۲-۴ ذیل همین باب است.

۳-۴) مانع نبودن

مؤلف گاهی سخنان غیر معصوم همچون ابن عباس و علی بن ابراهیم قمی^۱ را در ضمن روایات معصومین: آورده است و دلیل این امر را در مقدمه بیان می‌کند: «با توجه به اینکه ابن عباس یکی از مشهورترین مفسران قرآن در میان صحابه‌ی پیامبر ۹ و از شاگردان خاص امیرالمؤمنین ۷ می‌باشد، در کنار روایاتی که مستقیم از حضرات معصومین: آمده، روایات فراوانی نیز از وی در این مجموعه آورده شده است. همچنین روایات متعددی از علی بن ابراهیم قمی که از راویان بزرگ شیعه در قرن سوم هجری و از یاران امام عسکری ۷ و از مشایخ معتبر مرحوم کلینی به شمار می‌آید، ذکر گردیده است» (برازش، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۰).

اهل تسنن سخن صحابه را داخل در حدیث مرفوع می‌دانند^۲ اما آیت الله معرفت در مقدمه‌ی کتاب التفسیر الاثری الجامع می‌گوید: «صاحب نظران و دانشمندان مذهب در این باره بر آنند که تفسیر منقول از صحابه - هر چند که بلند مرتبه و جلیل القدر باشند - موقوف است و اسناد آن به پیامبر ۹ تا زمانی که خود صحابی اسناد نداده است، صحیح نیست؛ چه جای رأی و اجتهاد در آن باشد و چه نباشد. تا زمانی که

۱- در محدوده‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، ۶۲ مورد از سخنان ابن عباس و ۹۳ مورد از سخنان علی بن ابراهیم قمی ذکر شده است.

۲- حدیث مرفوع، حدیثی است که به طور منقطع به معصوم نسبت داده شود

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: با محوریت سوره‌ی مبارکه‌ی نساء ۵۵

خود صریحاً گفتاری را به پیامبر^۹ نسبت نداده است آن‌گفتار به خود وی منتسب است، هر چند سخن وی بر پایه‌ی تعالیم پیامبر^۹ استوار باشد» (معرفت، ۱۳۹۰ش، ج ۱: ۱۳۹ و ۱۴۰). بنابراین باید گفت سخنان منقول از صحابه و تابعین در مورد تفسیر قرآن در مواردی (مانند ذکر معنای لغات به عنوان قول لغوی اصیل و صادر شده از افراد آگاه به لغت عرب در صدر اسلام یا شأن نزول آیات به عنوان راوی موثق و شاهد واقعه و یا روایت از قول یا فعل یا تقریر معصوم^۷) معتبر است. اما مطالبی که ایشان به عنوان اجتهاد شخصی در فهم قرآن بیان کرده‌اند برای ما حجت نیست؛ زیرا اجتهادی است از خود وی و صحت و سقم آن به میزان فهم و هوش و گستره‌ی اطلاعات علمی او بستگی دارد. هر صاحب‌نظر یا صاحب‌گفتاری که معصوم نباشد گاه اشتباه می‌کند و برداشت وی همواره مقرون به صواب نیست. همچنین دلیلی از قرآن، سنت پیامبر^۹ و یا عقل، برای اعتبار آن‌ها در دست نیست و اجماعی نیز در این مورد وجود ندارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۷۳). بنابراین داخل دانستن قول علی بن ابراهیم و نیز ابن عباس در روایات تفسیری معصومین: صحیح نیست. علاوه بر این شیوه‌ی معمول بزرگان عرصه‌ی تفسیر روایی بر آوردن روایات ابن عباس نبوده است و به همین خاطر ارجاع غالب روایات ابن عباس به بحر العرفان و فقه القرآن راوندی بوده است.

البته در برخی از موارد، این روایات در مصدر اصلی یا در متن روایت، به قول معصوم^۷ منتسب شده است. برای مثال روایت ۱-۴ ذیل آیه‌ی ۲ نساء در تفسیر البرهان، بدین صورت آمده «و قال الشيباني في نهج البيان، في قوله تعالى: (وَ لَا تَتَّبِعُوا الْاَْحْيِثَ بِالطَّبِيبِ)، قال ابن عباس: «لا تبدلوا الحلال من اموالكم بالحرام من اموالهم لأجل الجودة و الزيادة فيه»، قال: و هو المروي عن أبي جعفر^۷ و أبي عبدالله^۷ (بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۲: ۱۶). این روایت

یکی از مصادیق (الْحَيْثُ) و (الطَّيِّبُ) را بیان می‌کند. همچنین روایت ۱ ذیل آیه‌ی ۷۱ نساء، مشتمل بر کلام نورانی امام صادق ۷ است که فرمود: «لَوْ أَنَّ هَذِهِ الْكَلِمَةَ قَالَهَا أَهْلُ الشَّرْقِ وَأَهْلُ الْمَغْرِبِ لَكَانُوا بِهَا خَارِجِينَ مِنَ الْإِيمَانِ وَ لَكِنْ قَدَسَمَاهُمْ اللَّهُ مُؤْمِنِينَ بِإِقْرَارِهِمْ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج: ۱، ۱۴۳) و در متن روایت به آن تصریح شده است. روایت ۲ ذیل آیه‌ی ۱۲۹ (برازش، ۱۳۹۴، ج: ۳، ۴۵۸) و همچنین روایت ۴-۱ ذیل آیه‌ی ۳۲ (برازش، ۱۳۹۴، ج: ۳، ۱۵۴) نیز مثال‌های دیگری از این مورد هستند.

۴-۴) جامع نبودن و اکتفای حدّ اقلی به روایات ناظر بر آیه

حجم روایات استقصاء شده تا زمان حاضر ذیل برخی از آیات بسیار بیشتر از روایات مذکور در تفسیر اهل بیت: است که بخش زیادی از این روایات تفسیری، در کتب تفسیر روایی پراکنده است. با این وجود برخی از آنها اصلاً مورد توجه مؤلف نبوده است؛ از جمله کتاب الصّافی و الاصفی از ملامحسن فیض کاشانی (قرن ۱۱)، کنز الدقائق و بحر الغرائب از مرحوم قمی مشهدی (قرن ۱۲)، الجواهر فی تفسیر القرآن علی عاشور (قرن ۱۵)، تسنیم (قرن ۱۵) و ... بنابراین با یک تتبع درست و دقیق در منابع تفسیر روایی و غیر روایی، بسیاری از روایات جدید تفسیر اهل بیت: که از منابع روایی استخراج شده است، از زیرمجموعه‌ی روایات جدید خارج شده و در زمره‌ی روایات تکراری منابع تفسیری قبلی قرار می‌گیرد.

برای نمونه آیه‌ی ۱۱۴ نساء (لا خَیْرَ فِی کَثِیْرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَیْنَ النَّاسِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِیْهِ أَجْرًا عَظِیْمًا) حاوی موضوعات

۱- تفسیر تسنیم، یک تفسیر روایی نیست اما حجم زیادی از روایات تفسیری را در خود جای داده است. برای مثال در محدوده‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی نساء حاوی ۵۲۷ روایت است که تقریباً با عدد روایات موجود در تفسیر البرهان -۵۳۳- و نیز نور الثقلین -۵۴۹- برابری می‌کند.

محوری فراوانی چون دسته‌بندی اعمال انسان، نجوا و شرایط آن، صدقه، معروف، اصلاح ذات‌البین فردی و اجتماعی، خلوص و نیت الهی در امور و ... است که ذیل هر عنوان، ده‌ها روایت در تفاسیر ذکر شده است که مجموع آن با حذف موارد تکراری و مشابه به ۸۳ روایت می‌رسد؛ با این حال تفسیر/اهل‌بیت: تنها به ذکر سه روایت بسنده نموده و روایات فراوانی را نیاورده که از جمله‌ی آن‌ها، این روایت است: فی الکافی [ج ۲: ۳۴۱، ح ۱۶ با این سند: محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن ابي یحیی الواسطی عن بعض أصحابنا] عن الصادق ۷: «الکلام ثلاثة صدق و کذب و إصلاح بین الناس؛ کلام بر سه گونه است: راست و دروغ و اصلاح بین مردم» و اصلاح را این گونه تفسیر نمودند: «تسمع من الرجل کلاماً یبلغه فتخیث نفسه فتلقاه فتقول سمعت من فلان قال فیک من الخیر کذا و کذا خلاف ما سمعت منه؛ از کسی سخنی دربارہ دیگری می‌شنوی که اگر سخن به گوش او برسد، ناراحت می‌شود. پس تو آن دیگری را می‌بینی و برخلاف آنچه شنیده‌ای، به او می‌گویی: از فلانی شنیدم که در خوبی تو چنین و چنان می‌گفت» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۰۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۵۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۳: ۵۳۸؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۲: ۱۲۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۷: پاورقی ۳۳۴؛ عاشور، ۱۴۳۱ق، ج ۷: ۱۹۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ش، ج ۲۰: ۴۳۸). این روایت به صورت جرّ یا تناسب کلام، به بیان اقسام سه‌گانه‌ی سخن پرداخته و از بین آن‌ها اصلاح ذات‌البین را که خارج از صدق و کذب است، شرح می‌دهد. همچنین است روایتی که پیامبر ۹ در فضیلت اصلاح ذات‌البین فرموده «إصلاح ذات‌البین أفضل من عمارة الصلاة و الصيام؛ صلح دادن میان مردم، از یک سال نماز و روزه‌داری برتر است» (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۶۸). این خلاصه‌گویی‌ها در تفسیر/اهل‌بیت: مکرراً اتفاق افتاده است و دلیل آن روشن نیست.

۵-۴) عدم تلاش برای یافتن مصدر اصلی و دست اول

منابع دست اول، منابعی هستند که برای نخستین بار روایات را نقل کرده‌اند. ارجاع به منبعی که خود از منابع دیگر نقل کرده است، کار درستی نیست و نشان دهنده‌ی عدم تفکیک میان منابع اصیل و دست اول با منابع دست دوم است. در تفسیر/اهل بیت: گاهی به جای ارجاع به منابع اصیل، روایت به منابع دست دوم برگردانده شده است. برای مثال روایت ۶-۲ ذیل آیه‌ی ۱۱ نساء اولین بار در مجمع‌البیان ذیل آیه مورد بحث آمده و سپس سایر منابع آن را به نقل از مجمع‌البیان آورده‌اند، اما مؤلف - با وجود تصریح به منبع قبل از حدیث - مجمع‌البیان را در زمره‌ی منابع روایت نیاورده است. مصدر اصلی روایت ۱-۳ ذیل آیه‌ی ۱۰۲ نساء نیز تفسیر قمی است اما تنها به بحار الانوار - که خود این روایت را به نقل از تفسیر قمی آورده - ارجاع داده شده است. روایت ۳-۳ ذیل آیه‌ی ۱۲۵ نیز ابتدا در الاحتجاج طبرسی آمده، با این وجود در ارجاع به منابع اصلاً به آن اشاره‌ای نشده است.

۶-۴) حذف اسناد و فارغ بودن از بررسی‌های سندی

نویسنده‌ی کتاب برای ممانعت از افزایش مجلّدات و حجم کتاب، اسناد را حذف و به ذکر نام آخرین راوی اکتفا نموده است. او در مقدمه می‌گوید: «بنای این اثر بر گردآوری و ترجمه‌ی مجموعه‌ای کامل از روایات مختلف تفسیری بوده و این کار فارغ از هر گونه کنکاش و پژوهش در سند و محتوای روایات انجام گرفته است؛ بدیهی است که تکیه بر مفاد هر روایت باید پس از کنکاش در سند و محتوای آن روایت باشد» (برازش، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۰). براساس این مبنا می‌توان گفت که دیگر جای هیچ‌گونه اجتهادی در گزینش و آوردن روایات نیست.

باید گفت اگر مخاطبان این مجموعه خواص هستند، آن‌ها برای بهره‌گیری از حدیث به اسناد آن نیاز دارند. ذکر کامل اسناد و حتی انجام بررسی‌های سندی، کار را وزین‌تر و با ارزش‌تر می‌کند؛ به خصوص در مواقع وجود تعارض! ذهبی می‌نویسد: «گرچه وضع حدیث و اسرئیلیات خطر خود را داشتند اما اگر اسناد آنها حذف نمی‌شد، امکان تلاقی با بررسی اسناد و شناخت آن‌ها وجود می‌داشت ولی با کمال تأسف راه شناخت این خطر، با حذف اسناد از بین رفته است» (ذهبی، ۱۳۹۶ق، ج ۱: ۲۰۲). و اگر هدف از تألیف این مجموعه، استفاده‌ی عموم است ذکر احادیث متعارض و ضعیف یا روایات ناسازگار با محتوای قرآن و عقاید حقه، با این هدف سازگار نیست. برای نمونه ذیل آیات سوره‌ی مبارکه‌ی نور و در واقعه‌ی افک، روایاتی با محتوای نامناسب آورده شده است. همچنین ذیل آیه‌ی اول از سوره‌ی مبارکه‌ی نساء و به تناسب بحث از آفرینش آدم و حوا، روایاتی در موضوع کیفیت فرزندان حضرت آدم آورده شده که متناقض است (برازش، ۱۳۹۴، ج ۳: ۱۶ و ۱۷). البته با استناد به گفته‌ی مؤلف در مقدمه، نقل روایات اینچنینی لزوماً به معنای مقبولیت آن‌ها نزد مؤلف نیست، اما نقل بدون نقد و تعدیل و تذکر نیز، مخاطب را دچار حیرت و سرگردانی خواهد کرد و از این رو، گروهی از علما، عدم نقد و تنقیح روایات را از نقاط ضعف یک تفسیر می‌دانند. بهتر آن بود که اینگونه روایات حذف می‌گردید یا حداقل مطابق با سیره‌ی بزرگان تفسیر از ترجمه‌ی آن‌ها خودداری می‌شد.

۵) پیشنهادات

پیشنهادات ذیل در جهت تنقیح و تکمیل این مجموعه یا آثار مشابه ارائه می‌گردد که به کارگیری آن‌ها می‌تواند گامی در راستای ارائه‌ی تفسیر جامع اهل‌بیت: باشد که مشتمل بر روایاتی به مراتب بیشتر است:

- نمایه‌ی موضوعی و تبویب بر اساس آن با حفظ فراز بندی آیه: این کار ارتباط مؤلف و مخاطبان تفسیر را تحکیم می‌بخشد و افق معنایی هردو را به یکدیگر نزدیک و کاربری روایات را افزون می‌کند.
- گونه‌شناسی روایات: روایات تفسیری معرفت‌مشابهی از آیات به دست نمی‌دهد؛ بدین صورت که برخی ناظر به معنی ظاهری و بعضی مبین معنای بطنی آیاتند، برخی مصداق آیه را بیان می‌کند و برخی سبب نزول را آشکار می‌سازد و بنابراین برای دستیابی به فهم دقیق‌تر از آیه، باید رابطه‌ی روایت با آن تبیین شود تا از این رهگذر، پیام‌های آن، بهتر و بیشتر فهم گردد و تفسیر به گونه‌ای ضابطه‌مند ارائه گردد. گونه‌شناسی می‌تواند به این امر کمک کند و علاوه بر این، تعارض ظاهری آیات را نیز مرتفع سازد.
- داشتن دیدگاه تقریبی: جمع بین روایات منابع شیعی و اهل سنت، البته فقط با تکیه بر روایات معصومین، جامعیت و کمال کار را به ارمغان می‌آورد. علاوه بر این زمینه‌ساز وحدت مسلمانان و استفاده‌ی عام و گسترده‌تر از معارف معصومین: است.
- تلاش برای به صفر رساندن آیات تفسیر نشده
- تبیین محل نزاع و طرح دیدگاه‌ها در مسأله در روایات متعارض: وجود روایت‌های گوناگون در تفسیر یک آیه، لزوماً به معنای تناقض‌گویی و تعارض نیست؛ بلکه هر یک به اقتضای توان و فهم شنونده و نیز فضای صدور و عوامل دیگر، در صدد پرده‌برداری و راز‌گشایی از مرتبه‌ای از ظاهر و باطن و وجوه گوناگون از محتوای آیه است. چه اختلاف بدوی و ظاهری و چه اختلاف اساسی.
- تتبع ویژه در تفاسیر روایی یا حداقل تفاسیر پر روایت مانند کتاب الصافی و الاصفی از ملامحسن فیض کاشانی (قرن ۱۱)، کنز الدقائق و بحر الغرائب از مرحوم

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: با محوریت سوره‌ی مبارکه‌ی نساء ۶۱

قمی مشهدی (قرن ۱۲)، *الجواهر فی تفسیر القرآن علی عاشور* (قرن ۱۵)، تسنیم (قرن ۱۵) و ...

۶) نتیجه

تفسیر اهل‌بیت در ۱۸ جلد و مشتمل بر ۲۷۷۱۸ روایت است که این تعداد به تنهایی از مجموع روایات دو موسوعه‌ی بزرگ تفسیر روایی شیعه (البرهان و نور الثقلین) و با وجود روایات مشترک بین آن‌ها بیشتر است. از این رو، کتاب تفسیر اهل‌بیت: به عنوان پرروایت‌ترین تفسیر روایی شیعه و سنی مطرح است. این مجموعه امتیازات منحصر به فردی دارد از جمله:

- اشتمال بر روایات جدید و متناسب فراوان: پس از تتبع دقیق در بیش از صد منبع تفسیری شیعه و سنی مشخص شد که از مجموع ۱۰۵۴ روایت این تفسیر در بازه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، ۳۰۸ مورد (یعنی حدود ۳۰٪) جدید و منحصر به فرد است؛ یعنی برای اولین بار در زمره‌ی روایات تفسیری ذیل آیه‌ی مربوطه قرار گرفته است. اکثر روایت جدید این مجموعه از منابع روایی متأخر نظیر بحار الانوار، وسایل الشیعه، مستدرک الوسایل و در درجه‌ی بعد کتاب کافی و تفسیر بحر العرفان استخراج شده است.

- گستردگی منابع: این مجموعه از بیش از صد منبع معتبر شیعی با موضوعات مختلف بهره برده است و غالباً در استناد هر روایت، به ذکر یک منبع بسنده نکرده و آن را به چند منبع معتبر مستند نموده است.

- بهره‌گیری از تفسیر بحرالعرفان: این کتاب، یکی از سه تفسیر ملا صالح بن آغامحمد برغانی قزوینی (م ۱۲۷۰) از عالمان و محدثان برجسته‌ی قرن ۱۳ است و

امروزه تنها نسخه‌ی خطی از آن در کتابخانه‌ی خانواده‌ی وی در شهرستان قزوین موجود است. مؤلف بخشی از روایات این کتاب کمیاب و دور از دسترس را در تفسیر خود آورده است. فراوانی روایات بحرالعرفان در تفسیر اهل بیت: ۷۸ مورد است که تنها ۴۲ روایت سخن معصوم است و بقیه قول ابن عباس می‌باشد.

• ابتکار در اسلوب، الگوی واحد و نظام‌مند بودن روش طرح مطالب: روش نویسنده، تبویب بر اساس فراز آیات است که این کار، دسترسی به روایات ذیل آیه را تسهیل می‌بخشد.

همچنین ارائه‌ی ترجمه‌ی روان برای کلیه‌ی روایات، حذف روایات خاص و مشکل دار، مدلول صریح و روشن روایات، جلوگیری از وقوع تسامح در تقطیع با مشخص بودن تقطیع‌ها، ذکر نام معصوم در ابتدای متن حدیث، برجسته‌سازی متن آیات موجود در روایت از دیگر ویژگی‌های این تفسیر ارزشمند است.

با وجود نقاط قوت فراوان، برخی کاستی‌ها نیز در این مجموعه به چشم می‌خورد از جمله:

• نیاوردن روایات برای برخی از آیات: از ۱۷۶ آیه‌ی سوره‌ی نساء، ۲۱ آیه بدون روایت مانده‌اند در حالی که برای برخی از آن‌ها روایاتی بسیار متناسب و مرتبط در منابع تفسیری و روایی موجود است.

• جامع نبودن و اکتفای حدّ اقلی به روایات ذیل هر آیه: حجم روایات استقصاء شده تا زمان حاضر، ذیل برخی آیات بسیار بیشتر از روایات مذکور در تفسیر اهل بیت: است.

• مانع نبودن: مؤلف، گاهی سخنان ابن عباس و علی بن ابرهیم قمی را در ضمن روایات معصومین: آورده است. در حالی که داخل دانستن سخنان غیر معصوم

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: با محوریت سوره‌ی مبارکه‌ی نساء ۶۳

جز در مواردی که دلیلی - انتساب به معصوم در مصدر اصلی یا در متن روایت و ... - بر این امر وجود دارد، کار صحیحی نیست. علاوه بر این شیوه‌ی معمول بزرگان عرصه‌ی تفسیر روایی بر آوردن روایات ابن‌عباس در زمره‌ی روایات معصومین نبوده است.

• حذف اسناد: ذکر اسناد کامل و حتی انجام بررسی‌های سندی، کار را وزین‌تر و با ارزش‌تر می‌کند و یکی از راه‌های جبران ضعف‌هایی از قبیل تعارض، وضع حدیث، اسرائیلیات و ... است.

• عدم تلاش برای یافتن منابع دست اول

پرورش نقاط قوت مذکور، رفع نقایص و کمبودها و نیز اجرای پیشنهادات، گام مهمی برای به سامان رساندن، جهت‌دهی، تنقیح و تکمیل کتب پیشین و نیز گسترش مرزهای دانش در زمینه‌ی تفسیر روایی است و بر اساس آن می‌توان به نظر جامع و کامل معصومین: در مورد موضوعی خاص دست یافت. منبعی که همه‌ی روایات (موجود در منابع فریقین) ناظر بر آیه را به صورت یکجا و بدون تکرار مکررات آورده باشد. علاوه بر این سایر روایات تفسیری پراکنده در منابع روایی را نیز در بر گیرد.

پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی معروف به شیخ صدوق؛ (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، (محقق: علی‌اکبر غفاری)، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه‌ی قم.

۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ (۱۳۶۹ق)، متشابه القرآن و مختلفه، چاپ اول، قم: دار بیدار للنشر.
۴. بحرانی، سید هاشم؛ (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۵. برازش، علیرضا؛ (۱۳۹۴)، تفسیر اهل بیت: (جلد اول)، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶. _____؛ (۱۳۹۴)، تفسیر اهل بیت: (جلد سوم)، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ (۱۳۷۱ق)، المحاسن (محقق: جلال الدین محدث)، چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم (محقق: سید مهدی رجایی)، چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت:.
۱۰. ذهبی، محمدحسین؛ (۱۳۹۶ق)، التفسیر و المفسرون (جلد اول)، چاپ دوم، مؤسسه التّاریخ العربی: دار احیاء التّراث العربی.
۱۱. رضایی اصفهانی؛ (۱۳۸۵)، منطق تفسیر قرآن: روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن کریم (جلد دوم)، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۱۲. _____؛ (۱۳۹۱)، «اعتبارسنجی روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله معرفت»، علوم قرآن و حدیث، حدیث پژوهی، شماره ۸، صص ۱۶۷-۱۸۶.
۱۳. شاکر، محمدکاظم؛ (۱۳۸۱)، «ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن»، دفتر ۷۲، صص ۱۳۹-۱۵۱.
۱۴. طوسی، محمد بن الحسن؛ (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام (محقق: حسن الموسوی خراسان)، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله؛ (۱۴۱۹ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن (محقق: سید محمد قاضی)، چاپ اول، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی.

روش‌شناسی و تحلیل مجموعه‌ی تفسیر اهل‌بیت: با محوریت سوره‌ی مبارکه‌ی نساء ۶۵

۱۶. قمی، علی بن ابراهیم؛ (۱۳۶۳ش)، تفسیر قمی (تحقیق: طیب موسوی جزائری)، چاپ سوم، قم: دار‌الکتاب.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ (۱۴۰۷ق)، الکافی (محقق: علی‌اکبر غفّاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، تهران: دار‌الکتب الاسلامیه.

۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۹. مدیر شانه‌چی، کاظم؛ (۱۳۸۸ش)، علم‌الحديث، چاپ بیست و دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه‌ی قم.

۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی؛ (۱۳۹۲)، قرآن‌شناسی - جلد دوم (تحقیق و نگارش: غلامعلی عزیزی‌کیا)، چاپ ششم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۱. معرفت، محمدهادی؛ (۱۴۱۸ق)، التفسیر و المفسرون فی ثوبه قشيب (جلد دوم)، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.

۲۲. _____؛ (۱۳۹۰ش)، ترجمه‌ی التفسیر الاثری الجامع - جلد اول (مترجم: جواد ایروانی)، چاپ اول، قم: التمهید.

۲۳. مهدوی‌راد، محمدعلی - دلبری، سید علی؛ (۱۳۸۹)، «بررسی آسیب تقطیع نادرست روایات»، فصلنامه‌ی علوم حدیث، سال پانزدهم، شماره یک (پیاپی ۵۵)، صص ۱۳۲ تا ۱۵۴.

۲۴. مهریزی، مهدی؛ (۱۳۸۹ش)، «روایات تفسیری شیعه - گونه‌شناسی و حجّیت»، نشریه‌ی علوم حدیث، شماره ۵۵، صص ۳-۳۶.